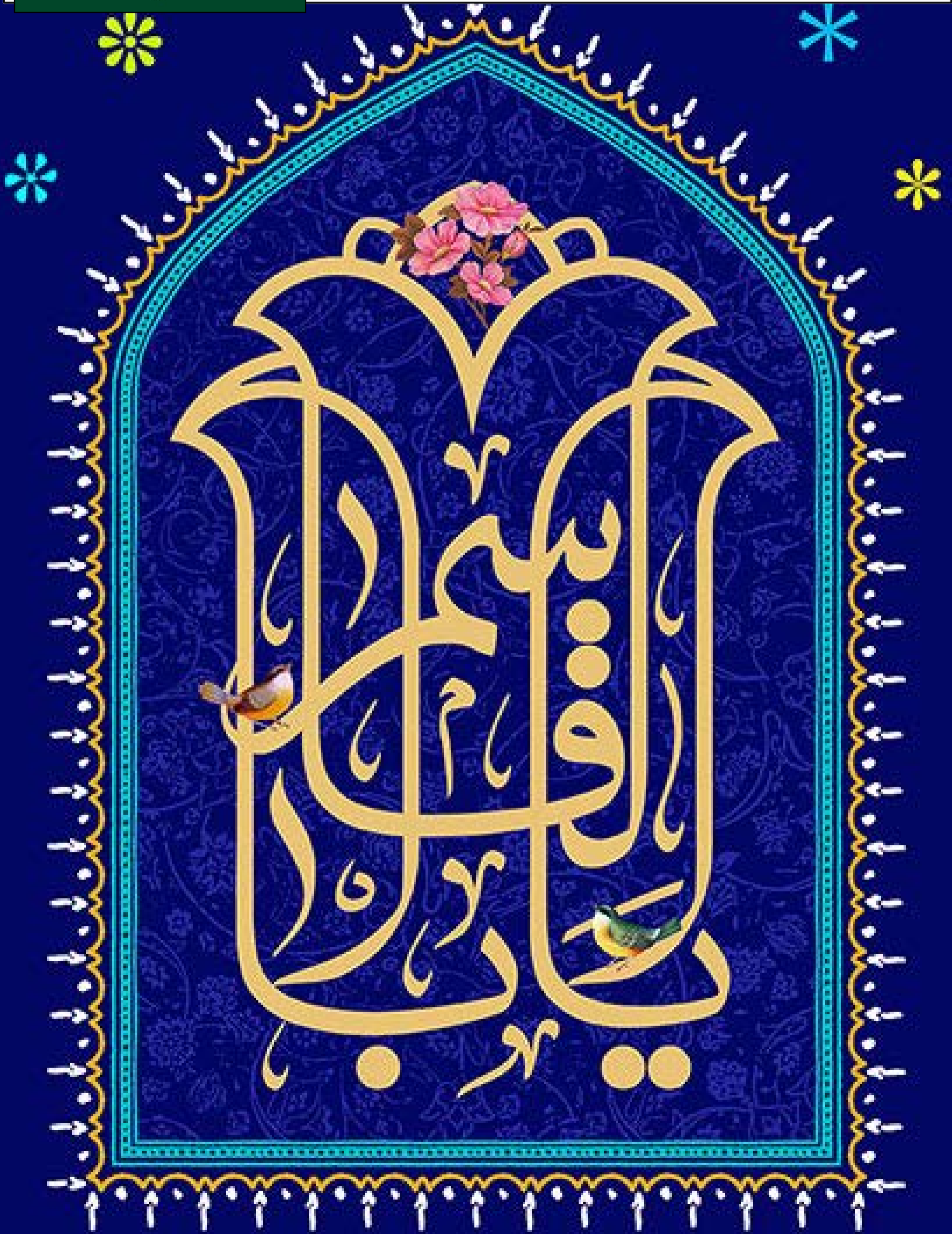




مكتبه التبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

خبرنامه اطلاع رسانی داخلی
دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
ویژه نامه ولادت رسول اکرم (ص) و امام صادق (ع)



دوستی خاندان محمد(ص)

پیامبر (ص) فرمود:

أَلَا مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيدًا.
أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مَغْفُورًا لَهُ.
أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ تَائِبًا.
أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مُؤْمِنًا مُسْتَكْمِلَ الْإِيمَانِ ...
أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَكْتُوبٌ بَيْنَ عَيْنَيْهِ آيِسٌ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ ...
أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ لَمْ يَشْمَنَّ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ ...
کسی که با دوستی آل محمد(ص) بمیرد، شهید مرده است.
آگاه باشید کسی که با دوستی آل محمد(ص) بمیرد، آمرزیده مرده است.
آگاه باشید کسی که با دوستی آل محمد(ص) بمیرد، توبه کار مرده است.
آگاه باشید کسی که با دوستی آل محمد(ص) بمیرد، با ایمان کامل مرده است ...
آگاه باشید کسی که با دشمنی آل محمد(ص) بمیرد، در حالی به صحرای قیامت می آید که بر پیشانی اش نوشته شده: ناامید از رحمت خدا ...
آگاه باشید کسی که با دشمنی آل محمد(ص) بمیرد، بوی بهشت به وی نمی رسد.

(کشف الغمّه فی معرفه الأئمّه، اربلی، ج ۱، ص ۱۰۷)

در این ویژه نامه به فراخور بازه زمانی که در آن هستیم یعنی ماه ربیع الاول و مناسبت ولادت پیامبر اعظم(ص) و امام جعفر صادق(ع) ابتدا به مختصری از زندگی نورانی پیامبر اکرم(ص) به ویژه بعد اخلاقی آن پرداخته و در ادامه نیز به گوشه ای از سیره اخلاقی امام صادق(ع) اشاره می شود.

گذری به ولادت پیامبر رحمت(ص)

پدر رسول گرامی اسلام(ص) عبدالله و مادر ایشان آمنه بوده اند. ایشان دارای کنیه ابوالقاسم می باشد که در مکه متولد شدند. در باب ولادت پیامبر اکرم(ص) اقوال متعددی از شیعه و سنی نقل شده است. به عنوان نمونه در کتاب بحار الانوار از دو تاریخ هفدهم و دوازده ربیع الاول یاد کرده است. (بحار الانوار، مجلسی، ج ۱۵، ص ۲۵۰)

البته شیخ طوسی در تهذیب ولادت ایشان را در روز جمعه هفدهم ربیع الاول در عام الفیل دانسته است. (تهذیب الأحکام، طوسی، ج ۶، ص ۲)

عظمت و بشارت ...

عظمت پیامبر اکرم(ص) به اندازه ای بوده است که در قرآن برای تکریم مقام ایشان از لقب هایی همچون «یا ایها الرسول» و «یا ایها النبی» یاد می کند.

به عنوان نمونه لقب «یا ایها الرسول» در آیات «یا ایها الرسول لا یخزّنک الذین یسارعون فی الکفر ...»، «ای پیامبر، کسانی که در کفر شتاب می ورزند، تو را غمگین نسازند و ...» (مائده/۴۷) و «یا ایها الرسول بلّغ ما أنزل الیک من ربک و إن لم تفعل فما بلّغت رسالتک ...»، «ای پیامبر، آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده، ابلاغ کن و اگر نکنی پیامش را نرسانده ای ...» (مائده/۶۷) آمده است.

قابل توجه می باشد که همان طور که در تفسیر نمونه ذکر شده در این دو آیه مساله ولایت و خلافت مطرح است. (تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ج ۴، ص ۳۸۳)

در آیات دیگری از قبیل «یا ایها النبی حسبک الله و من اتبعک من المؤمنین»، «ای پیامبر، خدا و کسانی از مؤمنان که پیرو تو را پس است»، (انفال/۶۴) و «یا ایها النبی إنا أرسلناک شاهداً و مبشراً و نذیراً»، «ای پیامبر، ما تو را [به سمت] گواه و بشارتگر و هشداردهنده فرستادیم»، (احزاب/۴۵) نیز لقب «یا ایها النبی» ذکر شده است.

آمدن آخرین منجی از میان پیامبران از مسائل بسیار مهمی است که در قرآن نیز از آن یاد شده است که آن بشارت آمدن پیامبر اسلام(ص) توسط حضرت عیسی(ع) می باشد.

در آیه «و إذ قال عیسی ابن مریم ینبی یشریعیل ینی رسول الله



است که به صورت ظاهری انسان گفته می شود. (لسان العرب، ابن منظور، ج ۱۰، ص ۸۷) البته در قاموس قرآن واژه «خلق» را بر وزن قفل و عنق به معنی عادت و طبع و مروّت و دین گرفته است. (قاموس قرآن، قرشی، ج ۲، ص ۲۹۳)

علامه طباطبایی در تعریف کلمه «خلق» می گوید خلق به معنای ملکه نفسانی است، که افعال بدنی مطابق اقتضای آن ملکه به آسانی از آدمی سر می زند. این آیه شریفه هر چند فی نفسها و به خودی خود حسن خلق رسول خدا (ص) را می ستاید و آن را بزرگ می شمارد، لیکن با در نظر گرفتن خصوص سیاق، به خصوص اخلاق پسندیده اجتماعیش نظر دارد. (ترجمه تفسیر المیزان، طباطبایی، ترجمه: موسوی همدانی، ج ۱۹، ص ۶۱۸ - ۶۱۹)

در این راستا می توان به سخنی از ایشان نیز اشاره داشت که فرمودند: «انما بعثت لائمم مکارم الأخلاق»، «برای تکمیل مکارم اخلاق نازل شده ام». (مکارم الأخلاق، طبرسی، ص ۸)

بنابراین اخلاق واژه ای است که در تبیین معنای لغوی آن می توان این گونه بیان داشت که مجموعه ای از فضایل اخلاقی را حمل می نماید و افرادی که متخلق به این فضایل اند به عنوان الگو از آن ها یاد می شود. از این رو اخلاق یکی از بهترین اصول زندگی فردی و اجتماعی محسوب می شود.

اخلاق مقوله ای است که تنها به بعد فردی زندگی انسان محدود نمی شود بلکه ابعاد مختلف زندگی من جمله ارتباطات اجتماعی را پوشش می دهد. به عبارتی تخلق به صفات اخلاقی پسندیده فرد را در مسیر سعادت مندی حرکت داده و باعث نوعی پویایی می گردد.

در آیات دیگری نیز به اخلاق نیک پیامبر(ص) اشاره داشته اند به عنوان نمونه در آیه «فیمّا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لَئِنَّ لَهِمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًا غَليظَ القلبِ لَأنقَضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ»، «پس به [برکت] رحمت الهی، با آنان نرمخو [و پُر مهر] شدی و اگر تندخو و سختدل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می شدند. پس، از آنان درگذر و برایشان آمرزش بخواه، و در کار [ها] با آنان مشورت کن و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن، زیرا خداوند توکل کنندگان را دوست می دارد». (آل عمران / ۱۵۹)

به مهربانی و نرم خوئی، گذشت، مشورت و توکل توصیه شده است. آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر این آیه می گوید یکی از مزایای فوق العاده اخلاقی پیامبر(ص) در این آیه مطرح شده است. در ادامه آیه نیز به عفو مردم اشاره شده که در این جا یکی از موارد روشن عفو و نرمش و انعطاف بود و اگر پیامبر(ص) غیر از این می کرد زمینه برای پراکندگی مردم کاملاً فراهم بود.

بنابراین یکی از صفات مهم که در هر رهبری لازم است مسئله گذشت و نرمش و انعطاف در برابر کسانی است که تخلفی از آن ها سرزده و بعدا پشیمان شده اند. (تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ج ۳، ص ۱۴۱)

إلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْ مِنَ التَّوْرَةِ وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنَ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ»، «و هنگامی را که عیسی پسر مریم گفت: ای فرزندان اسرائیل، من فرستاده خدا به سوی شما هستم. تورات را که پیش از من بوده تصدیق می کنم و به فرستاده ای که پس از من می آید و نام او «احمد» است بشارتگرم پس وقتی برای آنان دلائل روشن آورد، گفتند: این سحری آشکار است». (صف / ۶)

در تفسیر نمونه ذیل تفسیر این آیه آمده است که تعبیر به «بشارت» در مورد خبر دادن مسیح (ع) از ظهور اسلام اشاره لطیفی به تکامل این آئین نسبت به آئین های پیشین است. (تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ج ۲۴، ص ۷۳)

در تفسیر المیزان نیز ذیل جمله «اسمهُ أَحْمَدُ» این گونه آورده که با توجه به سیاق این تعبیر را عیسی (ع) از رسول خدا (ص) کرده است و نیز این که اهل تورات و انجیل آن جناب را به این نام و نیز به نام «محمد» می شناختند. (ترجمه تفسیر المیزان، طباطبایی، ترجمه: موسوی همدانی، ج ۱۹، ص ۴۲۸)

همچنین در تفسیر نمونه در باب نام پیامبر(ص) به تواریخ استناد کرده است که پیامبر اسلام (ص) از کودکی به دو نام «محمد» و «احمد» خطاب می شده است که اولی را عبد المطلب و دومی را آمنه برای ایشان برگزیده است. (تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ج ۲۴، ص ۷۷)

در این زمینه همچنین می توان به روایتی در تفسیر قمی استناد کرد که «بعضی از یهودیان از رسول خدا (ص) پرسیدند: چرا به نام احمد و محمد و بشیر و نذیر نامیده شدی. فرمود: اما محمد نامیده شدم، بدین جهت که من در زمین محمود و اما احمد نامیده شدم بدین جهت که من در آسمان احمد و اما بشیر خوانده شدم به خاطر این که هر کس مرا اطاعت کند به بهشت بشارت دارد و نذیر خوانده شدم چون خدا هر کسی را که نافرمانیم کند از آتش انداز کرده». (تفسیر قمی، قمی، ج ۲، ص ۳۶۵)

رشحاتی از اخلاق نیک پیامبر(ص)

سیره اخلاقی پیامبر اسلام(ص) به عنوان بهترین نمونه معرفی شده است. به گونه ای که مطالعه در ابعاد مختلف زندگی ایشان این نکته را به خوبی نشان می دهد که مهربانی، گذشت، ایثار، سعه صدر و ... در سیره اخلاقی پیامبر(ص) موج می زند.

اخلاق نیک محمد مصطفی(ص) آن چنان مشهور است که خداوند متعال در قرآن کریم فرمود: «وَ إِنَّكَ لَعَلَى خَلْقٍ عَظِيمٍ»، «و راستی که تو را خوبی والا است». (قلم/۴)

این منظور در لسان العرب واژه «خُلِقَ» را به معانی خوی، سرشت، طبیعت آورده است. همچنین این گونه تعریف کرده است که در اصل منظور از «خُلِقَ و خُلِقَ» صورت باطنی و ناپیدای شخص است که با بصیرت(چشم دل) درک می شود؛ در مقابل آن واژه «خُلِقَ»

مطرح شده که اجرای آن از طرف اجرا کننده نشان دهنده غایت تواضع در رفتار می باشد. در این سخن محور اهتمام ارتباط با مردم و در اجتماع می باشد. به ویژه کودکان که آینده سازان اجتماع در آینده اند.

در روایات موارد متعددی از رفتار پیامبر(ص) با کودکان یاد شده است که این امر در زندگی پیامبر(ص) به عنوان رهبر اسلامی به عنوان امتیازی ویژه مطرح است.

۳. پاسخ نیک به بدی

پیامبر گرامی اسلام(ص) در حیات پربرکتش نمونه کاملی از اخلاق، صبر و مدارا بود مطالعه سیره ایشان این نکته را به خوبی نشان می دهد. همان گونه که در آیه «ادْفَعِ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ» «بدی را به شیوه‌ای نیکو دفع کن. ما به آنچه وصف می کنند داناتریم». (مومنون/۹۶) آمده است که پیامبر (ص) مامور به کارگیری بهترین و اخلاقی ترین روش‌ها، در قبال بدی‌های مشرکان بودند. (رک: تفسیر راهنما، هاشمی رفسنجانی، ج ۱۲، ص ۱۰۵)

عنايت پیامبر رحمت(ص) به امت

اجتماع و مردم بعد دیگری از ابعاد مهم زندگی پیامبر(ص) می باشد که از همان ابتدای دوران رسالت ایشان ارتباط تنگاتنگی با مردم زمان خود داشتند. در این میان آن چه نمود بیشتری دارد راهنمایی و بیداری ایشان، احسان و کمک پیامبر(ص) به نیازمندان و ... بوده است.

۱. بیداری حقیقی

بیداری حالتی از زندگی انسان است که در آن به درک حقایق نایل می شود. اما گاهی غفلت‌ها به عنوان نوعی از حائل‌ها عمل می نماید که انسان را در مسیر حقیقت رشد نمی دهند و در واقع به عنوان مانع عمل می کنند.

در ظاهر امر انسان‌ها همیشه بیدارند و ساعات محدودی را به خواب اختصاص می دهند که این خواب هم جهت سکون و آرامش می باشد. اما مرگ نوعی از بیداری حقیقی است که انسان‌ها بعد از مرگ آن را درک می نمایند همان طور که پیامبر(ص) فرمود: «الْأَنْسُ نِيَامُ إِذَا مَاتُوا أَنْتَهُمْ» «مردم در خوابانند وقتی که بمیرند، بیدار می شوند». (تبییه الخواطر و نزهة النواظر(مجموعه ورام)، ورام بن ابي فراس، ج ۱، ص ۱۵۰)

توجه به مکارم اخلاقی و التزام عملی به آن سبب رشد و بیداری انسان‌ها می شود. مقام معظم رهبری در سخنانی به این امر توجه داشتند و فرمودند: «تحول اخلاقی، یعنی این که انسان هر رذیلت اخلاقی، هر اخلاق زشت، هر روحیه ی بد و ناپسندی که موجب آزار دیگران یا عقب ماندگی خود انسان است، آن را کنار بگذارد و به فضایل و زیبایی‌های اخلاقی، خود را آراسته کند. در جامعه ای که حسد و بددلی و کینه نباشد، اگر کسانی صاحب فکرند، آن فکر را در راه توطئه برای دیگران و تقلب با دیگران و خدعه در کار دیگران به کار نبرند، اگر کسانی دارای سواد معلوماتند، آن را در راه ضرر زدن به مردم و کمک کردن به دشمنان مردم به کار نبرند، بلکه همه ی افراد انسان در یک جامعه، به یکدیگر خیرخواه باشند، به هم کینه نوزند، به هم عقد و حسد نداشته باشند، به بهای نابودی دیگران، زندگی خود را سروسامان ندهند و دست یافتن به همه چیز را نخواهند، این تحول اخلاقی است و حداقل قضیه است». (پیام نوروزی، ۱۳۷۶/۱/۱)

۲. مشمولان شفاعت

شفاعت یکی از مقوله های مهمی است که در متون دینی ما نیز از آن یاد شده است. به ویژه مشمولان شفاعت که در روایات نیز از آن سخن به میان آمده است.

پیامبر(ص) در سخنی می فرماید: «چهار دسته اند که من، روز قیامت، شفیع آن‌ها هستم: یاری دهنده اهل بیتم، برآورنده حاجات اهل بیتم به هنگام اضطراب و ناچاری، دوست دار اهل بیتم به قلب و زبان و دفاع کننده از اهل بیتم با دست و عمل».

(خصال، ابن بابویه، ج ۱، ص ۱۹۶)

۳. مردمان آخرالزمان

در هر جامعه ای با توجه به روحیات، اقتضائات، فرهنگ‌ها، ارزش‌ها و ... مردم به دسته های گوناگونی تقسیم می شوند.

آخر الزمان و مردم آن نیز امتیازات دیگری دارند که از محل بحث این نوشتار خارج می باشد. در این راستا می توان به

عایشه و خلق نیک پیامبر(ص)

از هشام بن عروه از پدرش نقل شده که عایشه گفت: «ما کان أحد أحسن خلقاً من رسول الله(ص) ما دعاه أحد من الصحابة و لا من أهل بيته، إلا قال: لبيك، و لذلك أنزل الله عز و جل: وَ إِنَّكَ لَلَّذِي خُلِقَ عَظِيمٌ»، «اخلاق هیچ کس به خوبی خلق پیامبر خدا نبود، هر یک از اهل بیت و یا یاران او که وی را می خواندند در جواب می گفت: «لبیک» و روی همین اصل، خدای تعالی این آیه را فرود فرستاد «وَ إِنَّكَ لَلَّذِي خُلِقَ عَظِيمٌ». (اسباب نزول القرآن، واحدی، ص ۴۶۳)

نمونه هایی از اخلاق نیک پیامبر(ص)

۱. اسوه بودن

محمد مصطفی(ص) اسوه کاملی از انسانیت و معنویت می باشد که تاریخ گواه آن می باشد. همان گونه که در آیه «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا»، «قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست: برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می کند». (احزاب/۲۱) آمده است.

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان ذیل تفسیر آیه فوق بیان کرده است که کلمه «اسوه» به معنای اقتداء و پیروی است و معنای «فِي رَسُولِ اللَّهِ» یعنی در مورد رسول خدا(ص) و اسوه در مورد رسول خدا(ص) عبارت است از پیروی او و اگر تعبیر کرد به «لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ» شما در مورد رسول خدا(ص) تاسی دارید. که استقرار و استمرار در گذشته را افاده می کند، برای این است که اشاره کند به این که این وظیفه همیشه ثابت است و شما همیشه باید به آن جناب تاسی کنید. (تفسیر المیزان، طباطبایی، ترجمه: موسوی همدانی، ج ۱۶، ص ۴۳۳)

۲. بهترین نمونه تواضع

تواضع و فروتنی از شاخصه های اخلاقی پیامبر(ص) بود که در زمان حیات ایشان فراوان اتفاق افتاده است. این ویژگی اخلاقی حضرت آن قدر بارز بود که حتی در برابر کودکان نیز آن را انجام می دادند و به عنوان معلم بزرگی برای کودکان بودند که در کودکی به چشم خود مهربانی و تواضع پیامبر(ص) را دیدند و آموختند.

در این زمینه می توان به سخنی از امام باقر(ع) استناد کرد که از قول پیامبر(ص) نقل می کنند که ایشان فرمود: «خَمْسٌ لَا أَدْعُهُنَّ حَتَّى الْمَمَاتِ الْأَكْلَ عَلَى الْخَضِيضِ مَعَ الْعَبِيدِ وَ رُكُوبِي الْجَمَارَ مُؤَكَّفًا وَ حَلِيَّتِي الْغَنَزَ بِيَدِي وَ لُبْسُ السُّوفِ وَ التَّسْلِيمُ عَلَى الصَّبِيَّانِ لِتَكُونَ سُنَّةً مِنْ بَعْدِي»، «پنج چیز است که تا زمان مرگ آن‌ها را ترک نخواهم کرد: غذا خوردن با بندگان بر روی زمین، سوار شدن بر الاغ به صورت برهنه، دوشیدن بزها با دستان خود، پوشیدن پشمینه و در اختیار کودکان بودن، همه این‌ها بدان روست که این کارها به یک سنت تبدیل شود». (الأمالی، ابن بابویه، ص ۷۲) در این سخن پیامبر(ص) همان طور که ملاحظه می شود. اموری

همان گونه که حضرت امیر المومنین علی (ع) می فرماید: «أَلَّهُ الرَّيَاسَةَ سَعَةً الصَّدْرِ»، «وسیله رهبری گشادگی سینه است». (نهج البلاغه، شریف الرضی، محقق/مصحح: صبحی صالح، ص ۵۰۱)

بنابراین نرمش و اخلاق نیک، یک هدیه الهی است که رهبری و مدیریت صحیح با جذب و عطوفت همراه است. از این رو افراد سنگ دل و سخت گیر نمی توانند مردم داری کنند. (رک: حوزه نت)

اخلاق جرعه ای از بعثت

بعثت پیام های مهمی را برای جامعه بشریت به همراه داشت به عنوان نمونه یکی از پیام های مهم آن اخلاق بود که پیامبر(ص) نیز در سخنان خود به این مهم اشاره کردند که برای اتمام مکارم اخلاقی برانگیخته شدند. مکارم اخلاقی سرشار از مضامین ملکوتی می باشد که انسان‌ها جهت آراسته شدن به آن‌ها باید نسبت به تزکیه خود اقدام نمایند. از این رو بدون برنامه و فی البداهه امکان دستیابی به این مهم نمی باشد.

مقام معظم رهبری نیز در این راستا می فرماید: «باید خودمان را اصلاح کنیم، اخلاق خودمان را درست کنیم، خودمان را از لحاظ باطن، به خدا نزدیک کنیم، به عنوان یک فرد، مجاهدت شخصی بکنیم، آیات خدا را به دل خودمان بخوانیم و دل را به خدا نزدیک کنیم. این، وظیفه ی ماست. این، کمک خواهد کرد تا ما بتوانیم وظیفه یی را که در جنب مردم و در جنب جامعه داریم، به بهترین وجهی انجام بدهیم؛ و آحاد مردم هم منهای وظایف اجتماعی که برعهده ی همه هست و هیچ کس از وظیفه ی اجتماعی، خالی نیست، وظیفه ی فردی، وظیفه ی شخصی و اخلاقی را برای خودشان وظیفه ی مهمی بدانند.

بنده احساس می کنم که ما احتیاج داریم که در زمینه ی اخلاق و تزکیه و تهذیب، بر روی نفوس خودمان و نفوس دیگران کار کنیم. نوسازی معنوی نظام اسلامی و ملت مسلمان ایران، این مجاهدت بزرگ را لازم دارد و این هم یکی از پیام های مهم بعثت است». (دیدار با اقشار مردم و مسؤولان به مناسبت سال روز بعثت، ۱۳۷۶/۹/۷)

ایشان همچنین در یکی دیگر از بیانات خود فرمودند: «تمام خصوصیات مثبت یک انسان والا در او جمع بود؛ که من بخشی از خصوصیات اخلاقی آن بزرگوار را بسیار مختصر عرض می کنم. اما واقعاً ساعت‌ها وقت لازم است که انسان درباره خصوصیات اخلاقی پیامبر حرف بزند. من فقط برای عرض ارادت و برای این که به گویندگان و نویسندگان، عملاً عرض کرده باشم که نسبت به شخصیت پیامبر قدری بیشتر کار شود و ابعاد آن تبیین گردد - چون دریای عمیقی است - این چند دقیقه را به این مطالب صرف می کنم. البته در کتاب های فراوانی راجع به نبی اکرم (ص) و به طور متفرق راجع به اخلاق آن بزرگوار مطالبی هست. (رک: بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹/۲/۲۳)





با آمدنت قرار دل‌ها آمد
محبوب‌ترین نگار دل‌ها آمد
این نور محمد است و فجر صادق
با عطر دو گل بهار دل‌ها آمد

سخنی ارزشمند از رسول گرامی اسلام (ص) اشاره داشت که می‌فرماید: «سَيَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ تَخْبُثُ فِيهِ سَرَائِرُهُمْ وَ تَحْسُنُ فِيهِ عَالِيَتُهُمْ طَمَعًا فِي الدُّنْيَا لَا يُرِيدُونَ بِهٖ مَا عِنْدَ رَبِّهِمْ يَكُونُ دِينُهُمْ رِيَاءً لَا يُخَالِطُهُمْ خَوْفُ يَعْظُمُ اللَّهُ بِعِقَابِ فَيَدْعُوهُ دَعَاءَ الْغَرِيقِ فَلَا يَسْتَجِيبُ لَهُمْ»، «زمانی بر مردم فرا می‌رسد که برای طمع در دنیا، باطنشان پلید و ظاهرشان زیبا باشد، علاقه‌ای به آن چه نزد پروردگارشان است نشان ندهند، دین آن‌ها ریا شود و خوفی از خدا در دلشان آمیخته نشود، خداوند همه آنان را به عذاب سختی گرفتار کند، پس مانند دعای شخص غریق دعا کنند، ولی دعایشان را اجابت نکند». (الکافی، کلینی، ج ۲، ص ۲۹۶)

سخن پیامبر (ص) سرشار از معارفی است که به نوعی به افراد درس انسان‌شناسی می‌دهد که برخی از این انسان‌ها چگونه در آخر الزمان رفتار خواهند کرد و تغییر خواهند کرد.

اجمالی از ولادت امام صادق (ع)

امام صادق (ع) در سال ۸۳ هجری در مدینه منوره دیده به جهان گشود. پدر بزرگوار ایشان امام محمد باقر (ع) و مادر ایشان ام فروه بوده است. (الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، مفید، ج ۲، ص ۱۷۹ - ۱۸۰)

عصر امام (ع) عصر توسعه فرهنگ و علم و ظهور نهضت علمی و فکری در همه جوامع بود. امام (ع) با توجه بر فرصت مناسب سیاسی که به وجود آمده بود و با ملاحظه نیاز شدید جامعه و آمادگی زمینه اجتماعی، نهضت علمی و فرهنگی پدرش امام محمد باقر (ع) را پی گرفت و حوزه وسیع علمی و دانشگاه بزرگی به وجود آورد.

در این دوران بحث‌های علمی، فلسفی و کلامی رواج فراوان داشت و بینش‌ها و نظریات گوناگونی در باب بدایت و نهایت جهان، انسان و غیره مطرح می‌شد. حکومت نیز برای تثبیت جایگاه خود و تضعیف ائمه اطهار (ع) به این تفرقه‌ها دامن می‌زد. ایشان، چهره حقیقی فرهنگ اسلامی را عیان کرد و با ارائه خط اصیل اسلام به کشمکش‌ها و تفرقه‌ها و تضادهای دینی تا حدود زیادی خاتمه داد.

از این رو اوضاع استثنایی زمان امام صادق (ع) موجب شد تا مکتب تشیع ظهور و بروز گسترده‌ای یابد. از جهتی طولانی بودن دوران امامت ایشان نسبت به امامت سایر ائمه (ع) موجب شد افراد زیادی از دریای معرفت و دانش ایشان، جان‌های تشنه خود را سیراب کنند. (رک: حوزه نت)

امام صادق (ع) و تبیین مکارم اخلاقی

در این زمینه از ابن ابی عمیر از حماد بن عثمان نقل شده که مردی از امام صادق (ع) در مورد مکارم اخلاقی سوال کرد. حضرت فرمود: «الْفَقْوُ عَمَّنْ ظَلَمَكَ وَ صَلَّهٖ مِنْ قَطْعِكَ وَ اِعْطَاءُ مَنْ حَرَمَكَ وَ قَوْلُ الْحَقِّ وَ لَوْ عَلَى نَفْسِكَ»، «گذشت از کسی که به تو ظلم کرده و رابطه با کسی که با تو قطع رابطه کرده و عطا به آن کسی که از تو دریغ داشته است و گفتن حق اگر چه که بر ضد خودت باشد». (معانی الأخبار، ابن بابویه، ص ۱۹۱)

همچنین در سخن دیگری که از ایشان نقل شده، فرمودند: «أَلَا أَحَدُكُمْ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ قَلَّتْ بَلَى قَالَ الصَّفْحُ عَنِ النَّاسِ وَ مَوْاسَاةُ الرَّجُلِ أَخَاهُ فِي مَالِهِ وَ ذِكْرُ اللَّهِ كَثِيرًا»، «آیا به شما بگویم که مکارم اخلاقی چیست؟ گذشت کردن از مردم، کمک مالی به برادر خود و بسیار به یاد خدا بودن». (معانی الأخبار، ابن بابویه، ص ۱۹۱)

اخلاق پیامبر (ص) در بیان امام صادق (ع)

امام صادق (ع) فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى خَصَّ رَسُولَ اللَّهِ [رَسُولَهُ] بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَأَمْتَحِنُوا أَنْفُسَكُمْ فَإِنْ كَانَتْ فِيكُمْ فَأَحْمَدُوا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ ارْغَبُوا إِلَيْهِ فِي الزِّيَادَةِ مِنْهَا»، «به راستی خداوند تبارک پیامبرش را به فضایل اخلاقی مخصوص کرد پس خود را آزمایش کنید اگر مکارم اخلاقی در شما یافت شد پس ستایش الهی را به جا آورید و از او بخواهید که بیشتر به شما عنایت فرماید.» سپس در ادامه ایشان مصداق‌هایی از مکارم اخلاقی را در ده مورد ذکر کردند «الْبِقِينِ وَ الْقَنَاعَةِ وَ الصَّبْرِ وَ الشُّكْرِ وَ الْحِلْمِ وَ حَسَنِ الْخُلُقِ وَ السَّخَاءِ وَ الْفَيْزَةِ وَ الشُّجَاعَةِ وَ الْمُرُوَّةِ»، «یقین و قناعت و بردباری و سپاسگزاری و خویشتن‌داری و خوش‌برخوردی و سخاوت‌مندی و و غیرت و شجاعت و جوانمردی». (الأمالی، ابن بابویه، ص ۲۲۱)

از مکتب امام صادق (ع)

۱. رعایت آداب اخلاقی

انسان متخلق و ملتزم به آداب اخلاقی دارای جایگاه والایی در بین مردم می‌باشد. همان گونه که در سیره ائمه (ع) مشاهده می‌نماییم. به جهت برخورداری از فضایل و آداب اخلاقی دارای جایگاه منحصر به فردی در میان مردم زمان خود بودند.

آن گونه که از ایشان به عنوان الگوهای اخلاقی از آن زمان تا کنون یاد می‌شود و روش و منش ایشان مورد تمسک شیعیان بوده است. به گونه‌ای که دوست و دشمن به این امر اعتراف داشتند. من جمله رعایت آداب اخلاقی در جامعه کوچک خانواده، احترام به کوچک و بزرگ خانواده می‌باشد که حضور هر یک در کانون خانواده برکات فراوانی برای همه اعضا به همراه دارد. بنابراین نباید آن‌ها را فراموش کنیم و اهمیت این مقوله به اندازه‌ای می‌باشد که رئیس مذهب جعفری امام صادق (ع) فرمودند: «لَيْسَ مَنَّا مَنْ لَمْ يُوقِرْ كَبِيرًا وَ يَرْحَمْ صَغِيرًا»، «شیعه ما نیست کسی که بزرگترها را احترام نکند و به کوچکترها ترحم ننماید». (الکافی، کلینی، ج ۲، ص ۱۶۵)

۲. امام، تلاش، معیشت...

تلاش برای معیشت از ابعادی است که در زندگی ائمه (ع) از آن یاد شده است و نسبت به آن اهتمام داشته‌اند. زیرا کار سبب تقویت جسم انسان، رفع کسالت و تنبلی و ... می‌شود.

ابوعمر و شیبانی می‌گوید: «رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) وَ يَبْدَهُ مَسْحَاةً وَ عَلَيْهِ إِزَارٌ غَلِيظٌ يَعْمَلُ فِي خَائِطِ لَهٗ وَ الْعَرِيقُ يَتَصَابُ عَنْ ظَهْرِهِ فَقُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ أَعْطَيْتَ أَكْفَيْكَ فَقَالَ لِي إِنِّي أَحِبُّ أَنْ يَتَأَذَى الرَّجُلُ بِحَرِّ الشَّمْسِ فِي طَلَبِ الْمَعِيشَةِ»، «حضرت امام صادق (ع) را دیدم که با تیشه‌ای در دست و لباسی خشن بر تن، در باغی که در مالکیت او بود کار می‌کرد در حالی که از بدن مبارکش عرق جاری بود، گفتم: فدایت گردم تیشه را به من بسپارید تا من برای شما کار کنم؛ فرمود: دوست دارم مرد در جستجوی معیشت به حرارت آفتاب آزار ببیند». (الکافی، کلینی، ج ۵، ص ۷۶)

۳. کسب و سود حلال

کسب حلال و مال حلال تاثیر عجیبی در پرورش روح متعالی فرد دارد. از این رو ائمه (ع) نسبت به این امر اهتمام ویژه داشته‌اند و در سخنانی به آن سفارش کردند. امام صادق (ع) نیز به این مقوله توجه داشته‌اند و سخنان نابی را مطرح کردند که در این بخش از متن به اختصار به نمونه‌ای اشاره می‌شود.

در کتاب کافی به نقل از ابوجعفر فزاری آورده است که «حضرت امام صادق (ع) غلامش را که به او مصادف می‌گفتند به حضور خواست و هزار دینار در اختیارش گذاشته، فرمود: آماده شو تا به مصر برای داد و ستد بروی. مصادف کالایی آماده کرد و با کاروان تجار به سوی مصر رهسپار شد؛ هنگامی که نزدیک مصر رسیدند قافله‌ای که از مصر بیرون می‌آمد با آنان برخورد کرد، از قافله درباره وضعیت و قیمت کالایی که داشتند و مورد نیاز عموم مردم بود پرسیدند که در مصر چگونه است؟

کاروانیان به آنان گفتند: چیزی از آن در مصر یافت نمی‌شود. هم سوگند و هم پیمان شدند که کالایشان را از نظر سود دینار به دینار

بفروشند! وقتی کالایشان را فروختند و قیمتش را گرفتند، به مدینه باز گشتند. مصادف، بر حضرت امام صادق (ع) وارد شد در حالی دو کیسه هزار دیناری همراهش داشت، به حضرت گفت: فدایت گردم این کیسه اصل سرمایه و آن دیگر سود سرمایه.

حضرت فرمود: این سود، سودی زیاد و فراوان است! شما در فروش کالا چه کردید؟ مصادف داستان را بیان کرد، حضرت فرمود: سبحان الله، بر ضد مسلمانان هم سوگند شدید که جنس را از نظر سود جز دینار به دینار به آنان نفروشید؟! سپس یکی از آن کیسه‌ها را گرفت و فرمود: این اصل سرمایه من و به سودش هیچ نیازی ندارم سپس فرمود: ای مصادف! شمشیر زدن در میدان جنگ از طلب حلال آسان‌تر است». (الکافی، کلینی، ج ۵، ص ۱۶۱ - ۱۶۲)

۴. فرصت‌ها را دریابیم

فرصت نعمت ارزشمندی است که از دست دادن آن برابر با از دست دادن سرمایه‌های بزرگ می‌باشد. زیرا زمان و فرصتی که به طور صحیح مورد استفاده قرار نگیرد و به نوعی هدر رود دیگر قابل جبران نمی‌باشد و نمی‌توان جای‌گزینی برای آن فراهم نمود.

امام صادق (ع) در سخن گوهر باری فرمود: «... مَنِ انْتَهَرَ بِمُجَالَسَةِ الْفُرْصَةِ مُوَأَجَلَةً الْأَسْتَقْصَاءَ سَلَبَتْهُ الْأَيَّامُ فُرْصَتَهُ لِأَنَّ مِنْ شَأْنِ الْأَيَّامِ السَّلْبِ وَ سَبِيلَ الزَّمَنِ الْفَوْتُ»، «هر کس در فرصت‌های بدست آمده به انتظار فرصت‌های کامل‌تر بنشیند، روزگار آن فرصت کوتاه را نیز از او خواهد گرفت، چرا که عادت روزگار سلب فرصت‌ها و روش زمانه از دست رفتن است». (بحار الانوار، مجلسی، ج ۷۵، ص ۲۶۸)

۵. اجتناب از ...

در کنار فضایل اخلاقی فراوانی که نسبت به آن‌ها سفارش شده است از ردایل اخلاقی نیز نام برده شده که نسبت به پرهیز از آن‌ها نیز موکداً توصیه‌هایی در متون دینی ما آمده است. به عنوان نمونه امام صادق (ع) فرمودند: «كُلُّ الْبِرِّ مَقْبُولٌ إِلَّا مَا كَانَ رِيَاءً»، «تمام نیکی‌ها پذیرفته می‌شود مگر اعمالی که بخاطر ریا انجام گرفته باشد». (تحف العقول، ابن شعبه حرانی، ص ۳۰۳)

همان‌طور که در این سخن امام (ع) فرمودند اعمالی که با ریا باشد مورد قبول درگاه حق تعالی قرار نمی‌گیرد. زیرا ریا اصل عمل را هم از بین می‌برد و برای فرد تبعات دیگری نیز به همراه دارد به گونه‌ای که اگر فرد از آن دوری نکند تمام اعمالش تباه می‌گردد و از زمره سعادت‌مندان خارج می‌گردد.

امام (ع) همچنین در سخن دیگری به عبدالله بن جندب فرمود: «... يَا ابْنَ جُنْدَبٍ لَا تَتَّصِدُقْ عَلَى أَعْيُنِ النَّاسِ لِئُرْكَوكَ فَإِنَّكَ إِنْ فَعَلْتَ ذَلِكَ قَمَدٌ اسْتَوْفَيْتَ أَجْرَكَ وَ لَكِنْ إِذَا أُعْطِيتَ بِمِمينِكَ فَلَا تَطْلِعْ عَلَيْهَا شَمَالِكَ...»، «هیچ گاه صدقه را جلو چشم مردم انجام مده به قصد این که تو را پاکیزه انگارند، که اگر به این عمل کنی اجر و پاداش خود را به نحو کامل دریافت خواهی کرد، لکن اگر با دست راست خود بخشش می‌کنی دست چپ خود را مطلع نساز». (تحف العقول، ابن شعبه حرانی، ص ۳۰۵)